

سطوح همکاری، رقابت و منازعه در مناسبات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بین ایران و هند

معینبرزگرزاده زرنندی*

سیدعباس احمدی**

چکیده

کشور هند به عنوان یک واقعیت پایدار با مجموعه ویژگی‌های ژئوپلیتیکی سرزمینی، قومی، مذهبی، فرهنگی و اقتصادی تعریف مشخصی در منافع ملی ایران و جایگاه خاصی در سیاست خارجی ایران دارد. روابط ایران و هند از دیرباز تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی قرار داشته است، در این راستا پژوهش حاضر به بررسی روابط ژئوپلیتیکی دو کشور ایران و هند و دلایل شکست این دو کشور در ایجاد یک همکاری استراتژیک پرداخته است. با توجه به نزدیکی جغرافیایی و موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و هند، دو کشور در سطح منطقه از منافع مشترک زیادی برخوردارند. از آنجایی که نیاز روزافزون هند به انرژی بر کسی پوشیده نیست، برای تأمین بلندمدت انرژی خود، به ایران در جایگاه مهم ترین تأمین کننده انرژی می‌نگرد. ایران نیز قدرتمند شدن هند را در راستای سیاست دنیای چندقطبی و مخالفت با یک جانبه گرایی آمریکا می‌داند و آن را در چهارچوب منافع ملی خود ارزیابی می‌کند. هند در جنوب ایران و بندر چابهار نیز حضور گسترده ای دارد که مهم ترین زمینه این همکاری وجود منافع انرژی این کشور در خلیج فارس است. در این میان، موضوعات چالش برانگیزی نیز در روابط ایران و هند وجود دارد؛ مانند نزدیکی هند به ایالات متحده آمریکا و همگام شدن با این کشور در پی تحریم‌های آمریکا علیه ایران، ملاقات مقامات سطح بالای هندی با کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه امارات متحده عربی، بحرین و قطر که باعث شده رابطه دو کشور هند و ایران به دلیل چالش‌های منطقه‌ای ایران در این حوزه، به خوبی پیش نرود.

واژه‌های کلیدی: /ایران، هند، همکاری ژئوپلیتیکی، رقابت ژئوپلیتیکی، منابع کشمکش.

* دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول): m.barzegarzadeh@ut.ac.ir

Ahmadi@ut.ac.ir

** استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران؛

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷

فصلنامه روابط خارجی، سال دهم، شماره سی و نهم، پاییز ۱۳۹۷، صص ۶۶-۳۷

مقدمه

اصولاً ژئوپلیتیک درصدد تبیین این موضوع است که چگونه عوامل جغرافیایی از جمله سرزمین، جمعیت، موقعیت استراتژیک و منابع طبیعی بر روابط کشورها و تلاش آن‌ها برای کسب قدرت و استیلا بر دیگران مؤثر است (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۶۹). واقعیت قدرت عبارت است از به جریان انداختن و موج بخشیدن به انواع بسیاری از تحرکات بین مردم در مکان‌های مختلف جغرافیایی. در واقع، عنصر قدرت در شکل دادن به الگو و ماهیت رابطه و نگرش بازیگران نسبت به هم تجلی می‌یابد. عنصر جغرافیا نیز نقش بسترساز را ایفا کرده، سبب ایجاد انگیزه‌های لازم برای شکل‌گیری اراده سیاسی رابطه، تجلی فضایی رابطه و نیز تأثیرگذاری بر سطح قدرت بازیگران می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۹۲، ص ۲۶). در نگاه کلی می‌توان ژئوپلیتیک را «مطالعه اثرگذاری عوامل جغرافیایی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی صاحبان قدرت دانست» (مجتهدزاده، ۱۳۹۵، ص ۲۱). ژئوپلیتیک یک کشور، مؤثرترین عامل در رفتار سیاسی دولت‌ها و شکل‌گیری تصمیمات سیاسی در دو حوزه داخلی و خارجی است؛ به طوری که یک موقعیت ژئوپلیتیک می‌تواند هم عاملی در جهت تنش و منازعات میان کشورها و هم عاملی در جهت همبستگی و همگرایی کشورها محسوب شود (Ahmadi & Others, 2013, p1026). در قرن حاضر انرژی به‌ویژه نفت و گاز به‌عنوان روح ژئواکونومیک در فرآیند توسعه، تعیین امنیت و ایجاد کشمکش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش آفرین شده است. با تحول گفتمان سنتی ژئواستراتژیک به گفتمان نوین، انطباقی بین قلمروهای ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک در دهه‌های اخیر و ایفای نقش برتر

اقتصاد بر مسائل نظامی در عرصه مناسبات جهانی، نفت به مثابه خون صنعت مدرن هم‌اکنون مهم‌ترین و اجتناب‌ناپذیرترین ماده خام در تمدن صنعتی جهان در مقایسه با سایر عوامل قدرت از جایگاه بالاتری برخوردار شده است (رحیم پور، ۱۳۸۹، ص ۵۸).

خلیج فارس و اقیانوس هند به‌عنوان مناطق مهم جغرافیایی، به لحاظ نظریه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، بین‌المللی‌ترین مناطق دنیا به حساب می‌آیند؛ به بیان دیگر به خاطر منابع انرژی، فضای ژئوپلیتیکی و منابع ژئواکونومیکی جایگاه مهمی را برای ایفای نقش بازیگران در قالب همکاری، رقابت و کشمکش فراهم می‌سازند (خرم، ۱۳۸۶، ص ۱۷). ایران و هند به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی خود از اهمیت خاصی برخوردار بوده و همواره مورد توجه جهانیان قرار داشته‌اند. با نگاهی به پیشینه روابط تاریخی ایران و هند پی می‌بریم همواره ضعف‌های ژئوپلیتیکی در روابط دو کشور، تنش‌هایی را به وجود آورده است. هند یکی از قدرت‌های در حال ظهور جهان، در سال‌های پس از انقلاب مرکز توجه ایران بوده است. این کشور با استفاده از منابع انسانی فراوان، جغرافیای وسیع و نرخ رشد اقتصادی بالا، از حاشیه امور جهانی به سمت هسته حرکت می‌کند.

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در ساختار فضای ژئوپلیتیک جهانی با داشتن کدهای ژئوپلیتیک مؤثر و خیلی قوی در منطقه جنوب و جنوب غرب آسیا، همواره قدرت‌های جهانی و نیز کشورهای هم‌منطقه را نسبت به تغییر در وزن ژئوپلیتیکی و تحولات داخلی و خارجی خود بسیار حساس کرده است؛ زیرا در بسیاری از موارد منافع ملی کشورهای فرا منطقه و بازیگران داخلی کشورهای منطقه در رابطه مستقیم با شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران و تصمیمات رأس نظام سیاسی ایران قرار دارد. در همین راستا هند در سال‌های اخیر به عنوان بازیگر جدید در خلیج فارس ظهور کرده است و منافع اقتصادی خود را از این منطقه تأمین می‌کند. بر اساس پیش‌بینی‌های بانک جهانی، هند بعد از آمریکا و چین تا سال ۲۰۲۵، سومین قدرت اقتصادی جهان خواهد بود. چالش این تحقیق

نحوه برخورد و تعامل کنونی هند و ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و سیاست‌های پیش رو با یکدیگر بوده، درصدد است عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی تأثیرگذار بر روابط دو کشور را در محورهای رقابت، همکاری و منازعه مورد بررسی و مذاقه قرار دهد.

روش تحقیق در این پژوهش، از لحاظ ماهیت کاربردی است. با بررسی عوامل رقابت، همکاری و منازعه در روابط میان ایران و هند، پرسش اصلی پژوهش این است که «چه عوامل ژئوپلیتیکی سبب بروز رقابت، همکاری و منازعه میان ایران و هند شده و چرا تلاش‌ها برای ایجاد یک همکاری پایدار بین این دو کشور شکست خورده است؟» بر پایه روش‌شناسی این پژوهش، این فرضیه در ذهن تداعی می‌شود که رقابت، همکاری و منازعه در روابط این دو کشور را می‌توان در ناهمسازی و تقابل انگاره‌ها، هویت، هنجارها و زمینه‌های مشترک انرژی و همکاری‌های اقتصادی و امنیتی جستجو کرد. از سوی دیگر تلاش هند برای همسویی با سیاست‌های ایالات متحده نیز تأثیر بسزایی در این شکست داشته است.

۱- ادبیات مفهومی

بیش از صد سال است که ژئوپلیتیک به عنوان ابزاری مفهومی در ادبیات نظامی، سیاسی و روابط بین‌الملل به کار گرفته شده است. صرف‌نظر از پیامدهای تلخ جنگ‌های جهانی اول و دوم در تاریخ بین‌الملل، ژئوپلیتیک ابزار تحلیلی مناسبی برای تحلیل معادلات قدرت و ارائه راهبرد است. از منظر ژئوپلیتیک، شناخت ابعاد جغرافیایی در فرآیند تحقیق بر نظامی منطقی و در روند تحلیل بر بهره‌گیری از واقعیت‌هایی استوار است که در طول زمان در ارتباط با مفهوم قدرت اثرات خود را در صحنه سیاسی یک محیط جغرافیایی بر جای نهاده است. از این رو تحلیل ژئوپلیتیک در اتخاذ سیاست‌های عملی دولت‌ها می‌تواند از قابلیت پایداری و قطعیت مناسب‌تری برخوردار باشد (افشردی، ۱۳۸۱، ص ۴).

۱-۱. ژئوپلیتیک

«ریچارد هارتسورن» ژئوپلیتیک را جغرافیای مورد استفاده برای اهدافی خاص تعریف کرد که فراتر از تعقیب دانش قرار می‌گیرد. وی معتقد است: «ژئوپلیتیک عبارت است از کاربرد دانش و تکنیک‌های جغرافیای سیاسی در مسائل روابط بین‌الملل». «دیویدی» نویسنده کتاب «اصول جغرافیای سیاسی» اظهار می‌دارد: «ژئوپلیتیک عبارت است از علم روابط بین فضا و سیاست که می‌کوشد دانش جغرافیا را در خدمت رهبران سیاسی قرار دهد» (Dwivedi, 1990, p 5). «پیتر تیلور» بنیان‌گذار «فصلنامه جغرافیای سیاسی» می‌نویسد: «ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان، به‌ویژه روابط بین قدرت‌های بزرگ و اصلی» (Taylor, 1994, p 330). «کلاز دادز» در کتاب «ژئوپلیتیک در جهان متغیر» تعریف زیر را ارائه می‌دهد: «ژئوپلیتیک رویکرد ویژه‌ای به سیاست‌های جهانی است که بر اهمیت سرزمین و منابع تأکید می‌نماید» (Dodds, 2000, p 162). «جان اگنیو» نویسنده کتاب «ژئوپلیتیک» نیز ژئوپلیتیک را «مطالعه تأثیر جغرافیایی الگوهای توزیع و تقسیم بر هدایت و رهبری سیاست‌های جهانی دانسته که اکنون به پدیده‌هایی نظیر منازعات مرزهای بین‌الملل، ساختار مالی و اقتصادی جهان و الگوی جغرافیایی نتایج رأی‌گیری نیز توجه دارد» (Agnew, 1998, p 232).

۱-۲. روابط ژئوپلیتیکی

شیوه‌های مسلط رفتار میان دولت‌ها به واسطه نوع روابطشان با یکدیگر، در محدوده طیفی از الگوها از تعامل تا سلطه متغیر است. دولت‌های قدرتمند در اساس برای دیگران تهدید هستند؛ زیرا هرگز نمی‌توان تضمینی در برابر شکل استفاده آن‌ها از قدرتشان داشت. به موازات افزایش قدرت این کشورها، نگرانی دیگران از احتمال سوءاستفاده آن‌ها از قدرتشان بیشتر خواهد شد. بر این اساس افزایش قدرت یک دولت به افزایش احساس تهدید از سوی دیگران و به کار گرفتن اقدام‌های موازنه‌ای می‌انجامد (لیتل، ۱۳۸۹، ص ۹۹). در مجموع می‌توان روابط رقابتی قدرت‌ها را به صورت طیفی از روابط ژئوپلیتیکی (تعامل، تقابل، نفوذ

و سلطه) بررسی کرد. با توجه به هدف‌های این نوشتار، سه سطح از رابطه (رقابت، همکاری و منازعه) بررسی خواهد شد.

۱-۲-۱. منازعه یا تقابل (تعارض، درگیری، کشمکش، مناقشه)

منازعه وضعیتی اجتماعی است که وقتی دو یا چند کنشگر، هدف‌های ناسازگار را دنبال می‌کنند، درمی‌گیرد. در روابط بین‌الملل، رفتار تعارض‌آمیز را می‌توان در جنگ به عنوان یک خطر بالقوه و هم به عنوان واقعیت موجود و رفتار مبتنی بر چانه‌زنی جدا از زبان خشونت‌بار دید. بی‌تردید این گمان که تعارض را می‌توان از میان برد آرمان‌گرایانه است. راهبردهای بازدارندگی و موازنه قدرت شکل‌های سنتی مدیریت تعارض هستند. برای خاتمه تعارض به مداخله طرف ثالثی برای تسهیل فرایند نیاز است (ایوانز و نونام، ۱۹۸۱، ص ۱۵۱).

۲-۲-۱. تعامل (همکاری، همگرایی)

تعامل یعنی همگرایی و رویکرد هم‌تکمیلی بازیگران برای استفاده از تمام ظرفیت‌ها و عوامل مثبت و متغیر ژئوپلیتیکی با هدف حفظ استقلال و تمامیت ارضی، وحدت و امنیت ملی و تمام ارزش‌های حیاتی یک دولت-ملت؛ به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک همکاری به نوعی رویکردهای منطقی و منطبق با واقعیت‌های ژئوپلیتیکی کشورها در جهت مسامحه با یکدیگر است (احمدی‌پور و ولی قلی زاده، ۱۳۸۹، ص ۹). در این وضعیت، هدف‌ها، سیاست‌ها و رفتارهای برخی از واحدها، به عنوان مانعی در جهت دستیابی به هدف‌های خود تفسیر می‌شود و در صورت تعدیل یا تلاش برای تعدیل رفتارها توسط بازیگران و تبدیل آن به رفتارها و سیاست‌های سازگار، الگوی رفتاری مبتنی بر همکاری شکل می‌گیرد. در غیر این صورت تعارض تجلی خواهد یافت (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۱). همگرایی منطقه‌ای به معنی درهم آمیزی اقتصادی، سیاسی و راهبردی کشورها در منطقه ویژه‌ای برای پدید آوردن یک نظام منطقه‌ای یکپارچه است (مجته‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۱۸۲).

۱-۲-۳. رقابت ژئوپلیتیکی

ژئوپلیتیک به عنوان «دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ» دولت‌ها و گروه‌های متشکل سیاسی در صدد کسب قدرت و تصرف ابزارها، اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آن‌ها قدرت داده و امکان چیره شدن بر رقیب را می‌دهد. آن‌ها برای تصرف فرصت‌ها و مقدورات در مکان و فضای جغرافیایی، به رقابت (competition) می‌پردازند و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضاها و جغرافیایی بیشتر توسعه داده، آن‌ها را به قلمرو اعمال اراده خود بیفزایند و برعکس رقبا را از فضاها و درگیر بیرون برانند. از این دیدگاه ژئوپلیتیک به مطالعه الگوهای رقابتی، فرصت‌ها و ابزارهای رقابت‌آمیز، انگیزه‌های رقابت، کارکردهای مکان و فضا در شکل‌دهی به فرایندهای رقابت و تأثیر آن بر فرازوفرود قدرت می‌پردازد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۴۱). امروزه تدوین استراتژی رقابتی یکی از دغدغه‌های کشورهای است. در ژئوپلیتیک بازیگران اصلی صحنه رقابت، کشورهای محلی، منطقه‌ای، فرا منطقه‌ای و جهانی هستند. گفتنی است رقابت ژئوپلیتیکی می‌تواند تأثیر زیادی بر منافع ملی، امنیت ملی و اقتصاد یک کشور داشته باشد. به‌هرحال در منازعه و رقابت ژئوپلیتیکی میان کشورها و به‌ویژه کشورهای همسایه عواملی مانند مسائل مذهبی، ایدئولوژیکی، آب، انرژی، دسترسی و ارتباطات، ترانزیت و حمل‌ونقل و تسلط بر منابع و ذخایر منطقه نقش اصلی را ایفا می‌کنند. در نتیجه توانایی رقابت یک کشور با کشور دیگر بستگی به پتانسیل‌های محیطی، سیاست خارجی در قبال کشورهای قدرتمند منطقه‌ای و جهانی و استراتژی‌های خود کشور بستگی دارد؛ و یک کشور در صورتی می‌تواند رقابت را ادامه دهد که توان لازم را برای تأثیرگذاری بر عوامل بالا داشته باشد. با استفاده از این مدل رقابت‌های ایران و هند در سطح منطقه مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

۱-۳. ژئواکونومی

با وجود استفاده زیاد از مفهوم ژئواکونومی، تاکنون دانشمندان تعریف روشن و مشخصی از آن ارائه نکرده‌اند (Cowen & Smith, 2009, p 3). عده‌ای ژئواکونومی را استفاده از قدرت ژئوپلیتیک یا نظامی برای رسیدن به اهداف اقتصادی می‌دانند،

برخی بر درهم‌تندگی اقتصاد بین‌الملل، ژئوپلیتیک و استراتژی تأکید کرده‌اند، تعدادی بر تجارت و حمایت از صنایع داخلی بدون در نظر گرفتن جنبه‌های ژئوپلیتیکی تصریح دارند و گروهی نیز استفاده از واژه ژئواکونومی را برای بررسی سنتی تجارت بین‌الملل و تحریم‌ها محدود می‌کنند (مختاری‌هشی، ۱۳۹۷، ص ۵۸). به‌طورکلی ژئواکونومی چگونگی اقدام یک کشور برای ایجاد اعمال قدرت با استفاده از عوامل اقتصادی در کنار عوامل جغرافیایی است و تعدادی از اندیشمندان، قدرت برنامه‌ریزی یک کشور را با قدرت یا ضعف اقتصادی آن کشور مرتبط می‌دانند و مفهوم ژئواکونومی را برای تمام فعالیت‌های اقتصادی داخلی و خارجی استفاده می‌کنند. گفتنی است، کشوری که برای مدت طولانی از تقویت قدرت اقتصادی خود کوتاهی کند، نمی‌تواند از منظر ژئوپلیتیک نقش مهمی ایفا نماید (Blackwill and Harris, 2016, p 20). با تحول گفتمان ژئواستراتژی به گفتمان ژئواکونومی و نقش برتر اقتصاد در عرصه مناسبات جهانی، ژئوپلیتیک انرژی و اهمیت آن جایگاه والایی در عرصه بین‌الملل یافته است. مؤلفه‌های انرژی می‌تواند مبنایی محکم برای توسعه و گسترش روابط متقابل کشورها باشد و وابستگی متقابل ایجادشده در زمینه انرژی به صلح و امنیت در بلندمدت کمک خواهد کرد.

۲. موقعیت ژئوپلیتیکی ایران

کشور ایران با سه حوزه آبی دریای خزر، دریای عمان و خلیج فارس مرتبط است. طول خطوط ساحلی در جنوب، حدود ۲۰۴۳ کیلومتر و در حوزه دریای خزر حدود ۶۵۷ کیلومتر است (احمدیان، ۱۳۸۸، ص ۷۷) که با طول سواحل خلیج فارس به بیش از ۳۴۰۰ کیلومتر افزایش می‌یابد. وجود بندرهای متعدد و استراتژیک (۱۱ بندر مهم و فعال) در خلیج فارس، برخورداری از جزایر زیاد و استراتژیک، قرار گرفتن در کنار تنگه استراتژیک هرمز، ارتباط با اقیانوس هند و دریاها، آزاد، جهت به دست آوردن امتیازات و بهره‌برداری‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی، موقعیت استراتژیک ویژه‌ای به ایران بخشیده است (حافظ‌نیا، ۱۳۷۱، ص ۲۵۷). همچنین ایران به دلیل قرار گرفتن در منطقه خاورمیانه به‌عنوان حذفاصل

سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا از محوریت منطقه‌ای برخوردار است و به دلیل نفوذ فرهنگی و تمدنی آن در حوزه‌های ژئوپلیتیکی پیرامون، حضور قدرت‌های برتر جهانی در همسایگی ایران و نفوذ در خاک همسایگان آن، موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه‌ای دارد.

خلیج فارس و دریای خزر، دو منطقه برآورنده نیاز روزافزون انرژی جهان در قرن بیست و یکم هستند که برای غرب اهمیت فراوانی دارند. منابع نفتی دریای خزر تا ۲۰۰ میلیارد بشکه تخمین زده شده است؛ درحالی که گمانه شرکت‌های فعال در منطقه میانگین ۹۰ میلیارد بشکه را تخمین می‌زنند که به میزان منابع نفتی کشف‌شده ایران نزدیک است. افزایش تولید نفت حوزه خلیج فارس نیز از ۳۱ درصد کل نفت جهان در سال ۲۰۰۲ به ۳۶ درصد در ۲۰۲۰ محتمل است (Bahgat, 2010. P17). این واقعیت‌ها باعث شد تا «جفری کمپ» دانشمند آمریکایی، در سال ۱۹۹۷ در نوشته‌اش مجموعه سرزمین دربرگیرنده خلیج فارس و دریای خزر را «بیضی استراتژیک» انرژی نام دهد؛ دو منطقه‌ای که سرزمین‌های ایرانی را در میان خود دارند و ایران چون پلی استراتژیک این دو منبع بزرگ انرژی جهان را به هم پیوند می‌دهد. به نظر می‌رسد کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده رفته‌رفته با این واقعیت ژئوپلیتیک کنار می‌آیند که نه تنها منطقه مرکزی به مطالعات ژئوپلیتیک بازگشته، بلکه از منطقه قدیمی خود به سوی جنوب حرکت کرده و در میان دو دریای خزر و خلیج فارس قرار گرفته است، به طوری که ایران در قلب این منطقه مرکزی جدید قرار می‌گیرد (مجتهد زاده، ۱۳۸۱، ص ۲۸۵). در مجموع می‌توان گفت، ایران دارای موقعیت ژئوپلیتیک خاص در منطقه است و همین امر روابط ایران با قدرت‌های جهانی را در سطحی ممتاز قرار داده است؛ بدین نحو که همه قدرت‌های جهانی و نیز منطقه‌ای در ایران برای خود منافع می‌بینند و به روابط با ایران نیاز دارند. ایران علی‌رغم تنش با غرب، قدرتی تأثیرگذار در معادلات منطقه‌ای و جهانی است (رسولی، ۱۳۹۳، ص ۸۶).

۳. موقعیت ژئوپلیتیکی هند

کشورهای منطقه جنوب آسیا (نقشه شماره ۱) نه تنها فاقد چشم‌انداز ژئوپلیتیک

مجرد هستند، بلکه دیدگاه‌های مختلفی دارند که همگی تحت تأثیر تاریخ، ایدئولوژی سیاسی و کلیت مکان جغرافیایی قرار گرفته‌اند. کشورهای منطقه جنوب آسیا همواره از سلطه و دخالت قدرت‌های خارجی در حیات سیاسی و اقتصادی منطقه‌شان متضرر بوده‌اند؛ از این رو می‌توان این منطقه را از نظر ویژگی‌های مؤثر بر تحولات ژئوپلیتیک آن یک منطقه ژئوپلیتیک پویا و کامل به شمار آورد (برزگرزاده زرنندی، ۱۳۹۴، ص ۷۰).

نقشه ۱. نقشه سیاسی منطقه جنوب آسیا



Source: www.eduplace.com

کشور هند از شمال غرب به «آسیای مرکزی»، از غرب به «غرب و جنوب غرب آسیا» (خاورمیانه)، از جنوب به «اقیانوس هند» و از شرق به «جنوب شرق و شرق آسیا» محدود شده است (بهروزی فر و نسیمی، ۱۳۸۳، ص ۴). این کشور در نظام

پیرامونی خود با سه منطقه ژئوپلیتیکی یعنی «منطقه ژئوپلیتیکی شرق و جنوب شرقی آسیا» در شرق و جنوب شرق، «منطقه ژئوپلیتیک آسیای مرکزی» در شمال غرب و «منطقه ژئوپلیتیک غرب آسیا» در غرب تلاقی دارد. اقیانوس هند فقط تا فاصله کوتاهی از خط استوا در نیمکره شمالی پیش می‌رود، به طوری که حد شمالی آن تقریباً در ۲۵ درجه عرض شمالی واقع است. این اقیانوس از نظر استراتژیکی شش بازوی دریایی دارد که شامل دریای سرخ، دریای عربی، خلیج فارس، خلیج بنگال، خلیج عدن و خلیج مالاکا است. این بازوان دریایی از عوارض سواحل به وجود آمده‌اند (زین‌العابدین، ۱۳۸۶، ص ۹۳) که در مجاورت اقیانوس هند و تنگه‌های مهم و استراتژیک هرمز و مالاکا قرار گرفته است و نقش ارتباطی بسیار مهمی دارد که به‌ویژه در مباحث مربوط به امنیت عبور و مرور انرژی قابل توجه است. به بیان دیگر، این واقعیت که منطقه در مجاورت آب‌های اقیانوس هند قرار دارد و دریاها، خلیج‌ها و تنگه‌های استراتژیک و مهمی نظیر دریای عمان، دریای عرب، خلیج فارس، تنگه هرمز و تنگه مالاکا، در داخل آن رخنه کرده‌اند، موجب شده است تا صحنه کشمکش‌های عدیده دریایی و نظامی مهم را به‌منظور کنترل راه‌های اصلی تجارت کالا و انرژی توجیه می‌کند. کشور هند همچنین به علت قرار گرفتن در مجاورت نواحی و کشورهای حساس جهان مانند کشورهای آسیای جنوب شرقی، چین، آسیای غربی و آفریقای شرقی دارای موقعیت استراتژیکی مهمی است. این نقاط به دلیل وسعت و قدرت سیاسی (چین) و مواد خام و فرآورده‌های معدنی (آسیای غربی)، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار هستند (برزگرزاده زرنندی، ۱۳۹۴، ص ۷۰).

۴. مناسبات ژئوپلیتیک ایران و هند

از زمان استقلال هند در سال ۱۹۴۷، روابط هند و ایران را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد؛ نخست، از استقلال هندوستان تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی؛ دوم، از پایان جنگ سرد تا حوادث ۱۱ سپتامبر؛ سوم از سال ۲۰۰۱ تاکنون. هند در سال‌های اولیه پس از استقلال، زمینه‌های مشترک گسترش روابط با ایران را در پیش گرفته بود؛ اما به مرور زمان فشارهای سیستم بین‌الملل، موانع زیادی برای

همکاری گسترده میان دو کشور ایجاد کرد. تا اواسط دهه ۹۰ میلادی هند یک بازار صادرات قابل اعتماد برای انرژی ایران و راه جدید برای دور زدن تحریم‌های ایالات متحده بود (Pant, 2004, P 371). بعد از این دوره، همکاری‌های دوجانبه بین هند و ایران خیلی طولانی نبوده و با وجود پیشرفت‌های دیپلماتیک، سیاسی، اقتصادی و فنی دو کشور روابط ژئوپلیتیکی و همکاری‌های استراتژیک پایدار و طولانی مدتی با یکدیگر نداشته‌اند. به طوری که مسئله هسته‌ای به عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر بر کلیات روابط خارجی ایران بیش از یک دهه، از اواسط سال ۲۰۰۰ روند صعودی همکاری‌ها را با هند متوقف کرد. با تغییر موضع ایران در مسئله هسته‌ای از همکاری به مقابله با ایالات متحده و اروپا، از سال ۲۰۰۵ به بعد، تغییرات قابل توجهی در روابط ایران و هند رخ داد. هند در آوریل ۲۰۰۵ و فوریه ۲۰۰۶ دو بار در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای علیه ایران رأی داد. در پاسخ، ایران هشدار داد در مورد همکاری اقتصادی خود با هند تجدید نظر خواهد کرد (Soltaninejad, 2017, PP 26- 27). در ادامه مذاکرات مربوط به پروژه انتقال گاز طبیعی مایع به هند از طریق پاکستان به نام «خط لوله صلح» متوقف شد. در افغانستان نیز، هند علاقه کمتری به ادامه همکاری با ایران داشت و بیشتر با ایالات متحده همسو بود. در مجموع، با اینکه هند و ایران در عرصه‌های اقتصادی و تجاری همکاری‌هایی با یکدیگر داشته‌اند، به دلیل اختلافات هسته‌ای و افزایش سطح تنش بین ایران و غرب، به خصوص آمریکا، روابط ژئوپلیتیک و همکاری‌های استراتژیک بین هند و ایران به شدت کاهش پیدا کرده است (Pant, 2011, P 63).

گفتنی است که عواملی همچون مواضع ژئوپلیتیکی ایران و هند در خلیج فارس، بحث‌های مربوط به انرژی و نیاز هند به داشتن نفت و گاز، وجود ایران در جایگاه صادرکننده انرژی و کشور مادر از جهت حفظ امنیت انرژی برای هند، زمینه «همکاری» و در عین حال «رقابت» و «منازعه» بین دو کشور را فراهم می‌کنند. این در حالی است که تمامی این عوامل با توجه به شرایط جدید بین‌المللی و قطع همکاری‌های تجاری و اقتصادی در پی تحریم‌های انرژی در

سال جاری (۱۳۹۸) که برای ایران به وجود آمده، مواضع هند و ایران را دستخوش تغییر قرار داده است. با این حال برخورد هند با توجه به مسائلی که در ادامه بیان خواهد شد، زمینه‌های همکاری و در عین حال رقابت و منازعه، بین این کشور با ایران را مشخص خواهد کرد.

۴-۱. سطوح همکاری در روابط ایران و هند

ایران و هند با داشتن پیشینه تمدنی، تاریخی و فرهنگی دارای سطوحی از روابط هستند؛ از جمله جایگاه افغانستان در مناسبات مابین دو کشور و نقشی که می‌توانند در بازسازی، امنیت و اقتصاد افغانستان داشته باشند. مسئله تروریسم و افراطی‌گری به اشکال مختلف همواره به دو کشور لطمه‌های فراوان زده است و انعکاس نگرانی مشترک ایران و هند درباره تروریسم به طور کلی و القاعده در افغانستان به طور خاص، سبب شد که برای مقابله با تهدیدات ناشی از پدیده تروریسم در سال ۲۰۰۳ گروه کاری مشترک هند و ایران برای مقابله با حرکات تروریستی در منطقه ایجاد شود (Fair, 2011, P 24). از سوی دیگر بندر چابهار و آسیای مرکزی نیز در همکاری بین هند و ایران نقش بسزایی دارد.

۴-۱-۱. تروریسم

مبارزه با تروریسم، یکی از مهم‌ترین منافع هند در خلیج فارس است. خطر حملات تروریستی به منابع نفتی در خلیج فارس، اعم از تأسیسات تولید، توزیع و تخلیه تانکرها و جایگاه‌ها، برای حمله به منافع ایالات متحده در این منطقه محسوس و قابل لمس است و این امر، دقیقاً منافع هند را نیز در این منطقه به شدت به خطر می‌اندازد. این نگرانی زمانی عمیق‌تر می‌شود که به این نکته توجه کنیم که بیش از ۹۰ درصد از توانایی سازمان‌های تروریستی در انجام حملات تروریستی، در نزدیکی مرزهای غربی هند واقع شده و حدود ۹۰ درصد از این حملات موفق تروریستی نیز در همین منطقه رخ داده است. این تهدیدات مشترک، نیاز هند و ایران را به تقویت مناسبات و همکاری علیه تروریسم، تشدید کرده است (International Conferenceiyadh, 2005: 5-8). افزایش تهدیدات امنیتی

ناشی از پدیده تروریسم به ویژه اقدامات گروه‌های افراطی و تکفیری در منطقه آسیای غربی و جنوب غربی آسیا و همچنین شبه‌قاره هند، تهدیدات مشترکی برای امنیت ملی دو کشور ایران و هند و همچنین ثبات امنیتی منطقه محسوب می‌شوند. در این راستا تهران و دهلی‌نو در مورد پیامدهای زیان‌بار گسترش شبه‌نظامی اسلام‌گرای سنی در جنوب آسیا، آسیای مرکزی و سایر مناطق نگران هستند. هر دو کشور نگران احیای قدرت و نفوذ گروه‌های افراطی در افغانستان و فراسوی آن به ویژه در پاکستان می‌باشند. عمدتاً نیروهای رادیکالی که در پاکستان آموزش می‌بینند تحت حمایت‌های لجستیکی عربستان و پاکستان برای هند و ایران تهدیدی بالقوه هستند. در پی جنگ‌های هند و پاکستان بر سر حاکمیت ایالات کشمیر بود که بسیاری از این گروه‌ها علیه هند، در قالب گروه‌های جهادی کشمیر وارد منازعه هند و پاکستان شدند. از این رو هند بیم آن دارد که گسترش گروه‌های افراطی باعث افزایش فشار بر کشمیر و دسترسی استراتژیک پاکستان به دروازه‌های آسیای مرکزی شود. به همین دلیل ملاحظات ژئواستراتژیک از سوی هند در جهت جلوگیری از محاصره شدن توسط کشورهای اسلامی که در ارتباط نزدیک با سیاست‌های پاکستان است، می‌تواند یکی از انگیزه‌های مهم هند در نزدیک شدن به ایران و تمایل به همکاری با این کشور در آسیای مرکزی تلقی شود (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۵: ۷۲-۷۱)

۴-۱-۲. انرژی (نفت و گاز)

هند با داشتن جمعیت یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفری خود، توان تکنولوژیکی بالا، قدرت هسته‌ای بودن، توان نظامی، ظرفیت بالای اقتصادی و... (Escobar, 2007, P 16) در زمره پنج کشور بزرگ مصرف‌کننده انرژی قرار دارد و اهمیت این کشور در مناسبات بین‌المللی بر کسی پوشیده نیست. علاوه بر این جمهوری اسلامی ایران با داشتن بیشترین همسایه، توان بالای ژئوپلیتیکی «بیضی انرژی خلیج فارس و دریای خزر»، موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیکی کشور راهبردی در محاسبات قدرت‌های جهانی به حساب می‌آید. برآوردها نشان دهنده این واقعیت است که هند حتی در خوش‌بینانه‌ترین شرایط در سال ۲۰۲۵، قادر

خواهد بود فقط تا ۴۲ درصد گاز مورد نیاز را از منابع داخلی اش استحصال نماید و در نتیجه حدود ۷۵ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی باید از طریق واردات LNG یا خط لوله فراملی به این کشور منتقل می‌شود. در سال ۲۰۱۸ ایران در جایگاه پانزدهمین شریک تجاری هند قرار داشته و تجارت بین دو کشور حدود ۱۷ میلیارد دلار بوده که در مقایسه با سال ۲۰۱۷ این میزان ۲۴ درصد افزایش یافته است. نکته قابل توجه اینکه در طول سال ۲۰۱۸ صادرات ایران به هند ۱۳,۳۶ میلیارد دلار بوده است که ۲,۶ درصد از کل واردات هند را شامل می‌شود. در مقابل صادرات هند به ایران ۳,۳ میلیارد دلار بوده است که یک درصد از کل صادرات هند را به خود اختصاص داده است (Financialtribune, 2019).

ایران به دلیل داشتن منابع غنی نفت و گاز و همچنین قربت ژئوپلیتیک با هند، ظرفیت تبدیل شدن به یک شریک انرژی مطمئن برای این کشور را دارد و در حاضر، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های همکاری دو کشور، همکاری‌های انرژی و به خصوص همکاری در زمینه نفت خام و گاز طبیعی است. در زمینه نفت خام، با وجود تحریم‌های آمریکا، واردات نفت هند از ایران، در سال ۲۰۱۸ روزانه حدود ۴۷۹ هزار و ۵۰۰ بشکه بود. این آمار نسبت به سال ۲۰۱۷ که حدود ۴۵۸ هزار بشکه در روز بوده افزایش داشته است (Reuters, 2019). ایران دومین عرضه‌کننده بزرگ نفت به هند قلمداد می‌شود و در عوض هند بیشترین حجم بنزین و گازوئیل وارداتی ایران را تأمین می‌کند. از نظر سرمایه‌گذاری نیز باید گفت شرکت‌های «او.ان.جی.سی»، «آی.او.سی» و «اوایل ایندیا»، برای سرمایه‌گذاری سه میلیارد دلاری به‌منظور توسعه ذخایر گازی بلوک فارسی ایران در حال گفت‌وگو هستند. مذاکرات او.ان.جی.سی و شرکت هندوجا نیز برای ایفای نقش در توسعه میدان نفتی آزادگان و خرید گاز از پارس جنوبی ادامه دارد. او.ان.جی.سی برای توسعه ذخایر نفت و گاز خزر نیز در حال مذاکره با ایران است (chen, 2010, P 37). در مجموع می‌توان ادعا کرد که همکاری‌های انرژی ایران و هند به‌ویژه در بخش نفت و گاز، در واقع وسیع‌ترین حوزه هم‌تکمیلی اقتصادی ایران و هند است. ایران برای تأمین منابع مالی برنامه‌های توسعه ملی، نیاز به یافتن بازارهای

قابل اتکا و مناسب برای منافع نفت و به‌ویژه گاز خود دارد (زارعی، ۱۳۹۳، ب، ص ۱۳).

۱-۴-۳. آسیای مرکزی

ایران تنها راه دسترسی هند از نظر ژئوپلیتیکی به آسیای مرکزی است؛ زیرا از یک طرف ایران از طریق مرز مستقیم زمینی (مرز مشترک با ترکمنستان) و دریایی (قزاقستان و ترکمنستان در دریای خزر) با آسیای مرکزی ارتباط دارد و از طرفی دیگر ایران رقابت ژئوپلیتیک آشکاری با هند چه در سطح منطقه و چه در سطح جهانی در این منطقه ندارد. ایران همچنین دارای نفوذ تاریخی و فرهنگی در همه کشورهای منطقه است. مسیر ایران کوتاه‌ترین، ارزان‌ترین و امن‌ترین مسیر دسترسی کشورهای آسیای مرکزی به جهان بیرون است. در مورد دسترسی هند به آسیای مرکزی باید گفت بازرگانی دریایی هند در حال حاضر از بندرهای گرجستان و اوکراین استفاده می‌کند که با پیمودن صدها کیلومتر راه خشکی از روسیه با آسیای مرکزی میسر می‌شود، همچنین از آنجایی که بخش اعظمی از نفت هند از تنگه مالاکا جابه‌جا می‌شود، مسیر مستعدی برای دزدی دریایی و تروریسم است. در نتیجه کرانه‌های ایرانی مکران در دریای عمان قادر است به‌عنوان پل سرزمینی ارتباط‌دهنده خزر و آسیای مرکزی به اقیانوس هند، در روابط بازرگانی هندوستان با آن منطقه نقش محوری را بر عهده گیرد. در این راستا ایران پیشنهاد کرده بود هندوستان هزینه تأسیس ۷۰۰ کیلومتر راه آهن ارتباط‌دهنده بافق به مشهد را برای دسترسی مستقیم به آسیای مرکزی تأمین نماید. دسترسی مستقیمی که می‌تواند مسیر آسیای مرکزی - اقیانوس هند را صدها کیلومتر کوتاه‌تر سازد. این اقدام می‌تواند شبه‌قاره هند را در آسیای مرکزی نسبت به رقیبان خود از امتیاز ویژه‌ای برخوردار سازد.

به‌طور کلی مسیر ایران برای ورود به آسیای مرکزی برای هند به دلایل زیر حائز اهمیت است:

- ۱- دستیابی به منابع سرشار انرژی آسیای مرکزی؛
- ۲- همسو شدن و اتحاد دو کشور برای مبارزه با تروریست؛

۳- حفظ توازن قوا با دو کشور همسایه (پاکستان به عنوان دشمن دیرینه و چین به عنوان رقیبی قدرتمند) (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۵: ۷۴-۷۳).

۴-۱-۴. افغانستان

به طور کلی ایران و هند دارای زمینه‌های مشترکی از همکاری‌های سیاسی، استراتژیکی، عمرانی، اقتصادی و ترانزیتی در افغانستان هستند. آنچه نماد و سمبل همکاری ایران و هند در افغانستان است، مربوط به همکاری‌های ترانزیتی است. مهم‌ترین همکاری‌های ترانزیتی که در حال انجام است، ساخت بزرگراه «چابهار- زابل- دلارام- زرنج» است که این مسیر از طرفی افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی را به دریا و از طرف دیگر هند را به افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی متصل می‌سازد. موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه ایران در کنار ممانعت پاکستان از صدور کالاهای هندی، باعث توجه ویژه هندی‌ها برای صدور کالای خود از طریق خاک ایران شده است. از سوی دیگر ایران و هند هر دو در زمره کمک‌کنندگان به افغانستان هستند. این همکاری‌ها هم مانعی در برابر جاه‌طلبی‌های پاکستان در منطقه و هم مسیری برای جلوگیری از انزوای بیشتر ایران خواهد بود. ایران به احیای زیرساخت اقتصادی افغانستان کمک می‌کند و در این کشور به ساخت جاده و سایر زیرساخت‌ها مشغول است و سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در این کشور انجام داده است. هند نیز بیش از ۲/۱ میلیارد دلار برای کمک‌های عمرانی، بازسازی و بشردوستانه در افغانستان هزینه کرده است. ساخت مدرسه، بورس ۱۰ هزار دانشجوی افغانی، ساخت بزرگراه، سد، نیروگاه‌های برقی و... تنها گوشه‌ای از فعالیت‌های عمرانی هند در افغانستان است. بی‌جهت نیست که حجم تجارت هند و پاکستان در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ بالغ بر ۶۸۰ میلیون دلار بوده است. از سال ۲۰۰۲ که عملیات ناتو در افغانستان شروع شد، ایران نیز حدود یک میلیارد دلار به افغانستان کمک اقتصادی کرده است. غیر از این، معادن افغانستان به علت سال‌ها جنگ در این کشور دست‌نخورده باقی مانده و امکانات لازم برای استخراج آن‌ها وجود ندارد. در نتیجه ایران و هند به دلیل داشتن امکانات استخراج معادن، می‌توانند در این بخش به افغانستان کمک کنند (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۵، صص ۷۴-۷۵).

۴-۱-۵. چابهار

بندر چابهار به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مسیر چندین شاهراه مهم بین‌المللی واقع شده است و قابلیت تبدیل شدن به یکی از راهبردی‌ترین موقعیت‌های ترانزیتی را دارد. قرار گرفتن چابهار در کریدور جهانی شمال-جنوب و مناسب‌ترین مسیر برای ورود هند به افغانستان و کشورهای حوزه خزر (آسیای مرکزی)، باعث وابستگی‌های ژئوپلیتیکی هند به ایران شده است. همچنین این بندر عضو دو سازه منطقه‌ای یعنی سازه دریای عمان و سازه اقیانوس هند است و می‌تواند با سه قاره آفریقا، آسیا و اقیانوسیه ارتباط برقرار کند. بی‌دلیل نیست که از چابهار به عنوان دروازه بزرگ به کشورهای محصور افغانستان و دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع یاد می‌شود. از این حیث منافع هند (در ورود به کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان و حتی کشورهای حاشیه خزر) کاملاً به مسیر کریدوری چابهار وابسته است. در لابه‌لای این وابستگی متقابل، هند در ساخت و توسعه بندر دریایی چابهار، ساخت مسیرهای کریدوری، جاده‌ای و ریلی، ایران را یاری می‌کند و ایران نیز به‌مثابه یک دالان دریایی مسیر هند به آسیای مرکزی و افغانستان را هموار می‌سازد؛ بنابراین در این معامله پایاپای هم ایران موقعیت بی‌همتای کریدوری خود را بسط می‌دهد و هم هند با انتخاب مسیری (امن، کوتاه و به‌صرفه) غیر از مسیر رقیب و دشمن دیرینه‌اش پاکستان به اهداف خود می‌رسد (محمدی و احمدی، ۱۳۹۷، ص ۵۴).

۴-۲. سطوح رقابت و منازعه در روابط ایران و هند

۴-۲-۱. خط لوله صلح

ایران با داشتن ۱۸ درصد از ذخایر گازی جهان، پس از روسیه در رتبه دوم جهانی قرار دارد. به همین دلیل دسترسی به بازارهای مصرف و تضمین تداوم آن برای این کشور حائز اهمیت است. اهمیت این امر وقتی بیشتر می‌شود که بدانیم اقتصاد ایران به میزان زیادی (۷۰ درصد)، به بخش نفت و گاز وابستگی دارد؛ به این ترتیب اجرایی شدن طرح «خط لوله صلح» نه تنها بازار خوبی برای ایران ایجاد و

درآمد ثابتی تضمین می‌کند، بلکه مشکلات اقتصادی کشور را نیز کاهش می‌دهد. از دیگر سو، بر اساس قانون تحریم ایران که به تازگی تشدید هم شده است، اغلب شرکت‌ها از سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی ایران منع شده‌اند. این در حالی است که زیرساخت‌های بخش انرژی ایران اعم از خط لوله و پالایشگاه‌ها فرسوده شده‌اند و با توجه به رشد ۱۰ درصدی مصرف داخلی به صورت سالانه، نیاز مبرم به بازسازی و گسترش زیربنایی دارند. علاوه بر این، این بخش به حدی سرمایه‌بر است که دولت به تنهایی از عهده هزینه‌های آن بر نمی‌آید. بر این اساس ضرورت مشارکت و همکاری سرمایه‌گذاران خارجی در این بخش و نیز انعقاد توافقات بلندمدت، به وضوح قابل مشاهده است و از این منظر خط لوله صلح برای ایران پراهمیت است؛ اما در حال حاضر بین هند و ایران شاهد رقابت در این زمینه هستیم. نکته مهم قابل توجه دیگر این است که با احداث این خط لوله و برقراری امنیت و آرامش در بلوچستان پاکستان در مرزهای شرقی ایران نیز امنیت برقرار شده است و با فراهم آمدن شرایط کار و اشتغال، میزان تمایل به اعمال خشونت‌آمیز و قاچاق مواد مخدر در بین ساکنان این منطقه نیز کاهش می‌یابد.

بنابراین می‌توان گفت اجرایی شدن خط لوله صلح به عنوان اتصالی استراتژیک می‌تواند تأثیرات مثبت قابل توجهی بر صلح و ثبات در غرب آسیا و بالطبع همگرایی در این منطقه داشته باشد؛ اما این پروژه با موانع بسیاری روبه‌رو شده است؛ موانعی که در سطح وسیعی پیش روی روند همگرایی در این منطقه قرار دارند.

مهم‌ترین موانع موجود تأثیرگذار بر روند همگرایی در منطقه غرب آسیا عبارت‌اند از:

۱. مداخله قدرت‌های فرا منطقه‌ای از جمله آمریکا؛
 ۲. اختلافات تاریخی هند و پاکستان؛
 ۳. کمبود سرمایه و تکنولوژی (توحیدی، ۱۳۸۶، صص ۲۷۳-۲۶۸).
- به‌طور کلی به دلیل نبود شبکه گسترده گازی در داخل هند، این کشور نیازمند توسعه زیرساخت‌های خود در این بخش است که آن هم مستلزم صرف

سرمایه‌گذاری کلان است که با توجه به اولویت‌های متعدد اقتصاد هند و کمبود سرمایه دولت، انجام آن مشکل است. افزون بر کمبودهای سرمایه‌ای و تکنولوژیک، اختلافات فنی سه کشور نیز بر دیگر موانع پیش روی این خط لوله افزوده شده است. اظهارات «نژاد حسینیان»، مذاکره‌کننده سابق ایران در این پروژه، این اختلافات را نشان می‌دهد. به گفته وی، «تقاضا در بازار گاز بیشتر از عرضه آن است و به همین دلیل فروشندگان به کسانی می‌فروشند که پول بیشتری می‌پردازند». وی همچنین افزوده است: «در مورد ایران مسئله کاملاً روشن است، ما می‌توانیم گازمان را هم به بازار اروپا و آمریکا صادر کنیم، هم به بازار آسیا. قیمت بازار جنوب اروپا تقریباً برابر قیمت فروش گاز ما به ترکیه است و در آنجا خریدارهای زیادی هستند. برای قیمت بازار آسیا همچون خط لوله رقیبی مطرح نیست، لذا باید قیمت قراردادهای اخیر گاز مایع طبیعی را در منطقه ملاک قرار دهیم که در حدود ۱۱ دلار هم معامله شده است. در حالی که قیمت گاز مایع توافق شده، کمتر از ۶/۵ دلار است» (Moj news.com, 2014).

این خط لوله از آن رو به عنوان «مشتی از خروار»، موانع همگرایی در این منطقه را آشکار می‌سازد که از یک سو، در تحقق آن سه کشور منافع استراتژیکی دارند و از دیگر سو، مشکلات عمده‌ای بر سر راه آن قرار دارد. دقت در سرنوشت این خط لوله به عنوان عاملی زمینه‌ساز در روند همگرایی جنوب آسیا نشان می‌دهد که تنها «خواست» کشورها برای شکل‌دهی به روندهای همگراییانه کافی نیست. این خط لوله از همان ابتدا با مشکلاتی چون اختلافات مرزی و تعارض استراتژیک میان هند و پاکستان، بازی با حاصل جمع صفر میان ایران و آمریکا و اختلافات فنی و ضعف‌های تکنولوژیک و سرمایه‌ای مواجه شده است. بروز چنین موانعی باعث شده است که به‌رغم تلاش سه کشور از سال ۱۹۹۴ تاکنون، هنوز این پروژه وارد فاز اجرایی نشود!

بر اساس رویکردهای «گفتمانی» و «سازه‌انگار» بخشی از دیدگاه آمریکا در قبال ایران در تعامل با ایده‌های هند و همگام با آن است. در حقیقت آمریکا و ایده‌های این کشور بخشی از نظام بین‌الملل است که گاهی به سایر بازیگران

تسری می‌یابد. به عبارت دیگر قدرت در حال ظهوری مانند هند نیازمند رعایت بعضی بایسته‌های مدنظر آمریکا است؛ اما هند با آنکه برخی از نگرش‌ها و رویکردهای آمریکا را رعایت می‌کند تا زمانی که نیاز مبرم به حمایت از آمریکا در حوزه‌های مختلف داشته باشد، نوعی از دیپلماسی متعادل‌کننده را پیگیری می‌کند؛ به نحوی که در عین انطباق با منافع ملی خود، موجب نارضایتی آمریکا نشود. آمریکا در تلاش است در حوزه‌هایی مانند ایران، هند را تحت فشار قرار دهد. در همین رابطه، ایالات متحده نگرانی خود را نسبت به خط لوله «هند-پاکستان-ایران» اعلام و به‌زعم خود آن را کمک به بودجه هسته‌ای ایران و حمایت از فعالیت‌های تروریستی قلمداد کرده است. به‌طورکلی جنبه‌های تأثیرگذار آمریکا بر سیاست هند علیه ایران را می‌توان در سه بخش اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی طبقه‌بندی کرد (سجادپور و پهلوانی، ۱۳۹۱، ص ۸۴).

۲-۲-۴. روابط هند با کشورهای حاشیه خلیج فارس

حضور گسترده پاکستان که دشمن قدیمی و تاریخی هند محسوب می‌شود و چین قدرتمند و رقیب سرسخت هند که پیش از هند در خلیج فارس فعالیت اقتصادی و تجاری داشته، در کشف و استخراج و انتقال نفت منطقه به کشور خود فعال است، حضور هند را در منطقه خلیج فارس با توجه به نیازهای روزافزون به انرژی، دوچندان می‌کند. با آنکه هندوستان از ابعاد نظامی، سیاسی و اقتصادی قدرتی نوپدید به شمار می‌آید، دیپلماسی هند در خلیج فارس برای یافتن جای پای محکم در این منطقه ژئواکونومیکی و راهبردی بی‌بدیل جهان، چندان چشمگیر و پیگیرانه نبوده است؛ حال آنکه دو کشور چین و پاکستان از دهه ۹۰ تاکنون به‌رغم اشتراکات اندک فرهنگی و سیاسی در این منطقه و شباهت‌های بیشتر فرهنگ هندی با منطقه خلیج فارس و حضور بزرگ‌ترین اقلیت مسلمانان جهان در هند، در این خصوص برای اتصال و پیوند به این منطقه در سال‌های اخیر تلاش و تکاپوی دیپلماتیک پیگیرانه، رقابتی، شفاف و درخور توجه با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس داشته است. از آنجایی که هند در تلاش است نیاز انرژی خود را به سمت بهره‌گیری از منابع گاز طبیعی سوق دهد، کشورهای حوزه

خلیج فارس نقش مهمی در پیگیری این سیاست بر عهده دارند. در سال‌های اخیر، قطر تنها تأمین‌کننده مهم گاز طبیعی هند محسوب می‌شود. این کشور برای تأمین پنج میلیون تن گاز طبیعی مایع^۱، قراردادی ۲۵ ساله با هند منعقد کرده است که در حال حاضر اکثر نیاز هند به گاز طبیعی را تأمین می‌کند. علاوه بر این، در سپتامبر سال ۲۰۰۶، شرکت پتروننت هند توافق‌نامه‌ای ۲/۵ میلیون تنی با شرکت رأس گاز^۲، قطر امضا کرد که از ژوئن سال ۲۰۰۹، صادرات گاز طبیعی این کشور به هند آغاز شده است. یکی از اقداماتی که هندی‌ها در سال‌های اخیر در روابط دیپلماتیک خود با کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس انجام داده‌اند، ارتقای روابط شخصی دولتمردان هندی با سران کشورهای حوزه خلیج فارس در جهت افزایش روابط امنیتی میان آن‌ها بوده است. به همین دلیل در سال‌های اخیر، ملاقات مقامات سطح بالای هندی با کشورهای حوزه خلیج فارس به‌ویژه عربستان، امارات متحده عربی، بحرین و قطر به شدت افزایش یافته است؛ به‌عنوان مثال، می‌توان به دیدار مقامات نیروی دریایی هند از بندرهای خلیج فارس از جمله امارات متحده عربی، قطر، بحرین و عمان اشاره کرد. در ادامه، در فوریه سال ۲۰۰۷، رئیس نیروی دریایی هند از امارات متحده عربی ملاقات رسمی دیگری انجام داد. چهار توافق‌نامه همکاری دفاعی مشترک میان هند و امارات متحده، حاصل نخستین کمیته همکاری دفاعی مشترک در آوریل سال ۲۰۰۶ است. علاوه بر این، کشتی‌های هندی همواره در خلیج فارس حضور دارند. از جمله دو ناو هندی در سال ۲۰۰۶، در یک بندر عمانی به منظور انتقال اتباع هندی در پی جنگ لبنان پهلو گرفت. حضور پررنگ و دائمی نیروها و کشتی‌های هندی در آب‌های خلیج فارس، به دلیل رقابت با پاکستان در خلیج فارس است. علاوه بر این، هند در پی آن است که همواره چند گزینه مناسب را برای شرایط بحرانی در این منطقه، برای خود حفظ کند (Hindustan Times, Jan. 25, 2006).

1. CNG

2. RasGas

۴-۲-۳. روابط هند و آمریکا

هند و آمریکا دو دوره کاملاً متفاوت را در روابط خود تجربه کرده‌اند و روند این رابطه از قرار گرفتن در دو بلوک متفاوت، طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۴۷ تا توسعه سریع روابط از ۲۰۰۰ تاکنون تغییر کرده است. روابط این دو کشور از زمان استقلال هند در ۱۹۴۷ تا پایان جنگ سرد از پویایی خاصی برخوردار نبود؛ در این دوره هند نخست با در پیش گرفتن سیاست عدم تعهد و در مراحل بعد با نزدیکی به شوروی، در پی توسعه روابط با آمریکا نبود. در این دوره دو کشور به لحاظ محاسبات استراتژیک نگاه متفاوتی به جهان داشتند و استراتژی اقتصادی آن‌ها هم متفاوت بود. با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۰ و دگرگونی در نظام بین‌الملل این وضعیت تغییر یافت. از آن زمان به بعد، آمریکا و هند در محاسبات استراتژیک یکدیگر نقش روزافزونی پیدا کردند و روابط دو قدرت پس از جنگ سرد و به‌خصوص از اوایل هزاره جدید گسترش قابل توجهی یافته است، البته به‌جز هنگامی که هند در سال ۱۹۹۸ دست به آزمایش‌های هسته‌ای زد و روابط آن دو تیره شد. گفتنی است، نهایی شدن قرارداد همکاری استراتژیک بین هند و ایالات متحده در سال ۲۰۰۶، سبب شد روابط دو کشور به سمت توسعه همکاری در سطوح و موضوعات مختلف حرکت کند؛ یعنی از سال ۲۰۰۶ تاکنون از تضاد- که از آزمایش اتمی هند در سال ۱۹۹۸ نشئت می‌گرفت- به همگرایی تغییر یافته است. در مقابل، به نظر می‌رسد مناسبات دوجانبه ایران و هند که در گذشته مطلوب بود، در سال‌های اخیر با تغییراتی مواجه شده است؛ به‌بیان‌دیگر ظهور هند به عنوان یک قدرت بین‌المللی و همکاری استراتژیک این کشور با ایالات متحده سبب ایجاد تغییر در نگاه هند به جمهوری اسلامی ایران شده است. از نظر اجرایی و سیاست‌گذاری، روابط ایران و هند با عامل سومی به نام آمریکا مواجه است که اهمیت فراوان این عامل مداخله‌گر قابل توجه است (سجادپور و پهلوانی، ۱۳۹۱، ص ۷۶). در همین چارچوب، روابط هند و آمریکا را می‌توان به چهار عامل تکثر سلاح‌های هسته‌ای در جنوب آسیا، چین، تروریسم و پاکستان به‌عنوان تهدیدهای مشترک مربوط دانست.

تکثیر سلاح‌های هسته‌ای در آسیای جنوبی بخشی از یک زنجیره رقابتی است. به گونه‌ای که هند تلاش می‌کند به بازدارندگی در برابر چین دست یابد و پاکستان نیز خواهان دستیابی به برابری در مقابل هند است. مقامات رسمی هند، نیازهای انرژی در حال رشد خود مخصوصاً انرژی هسته‌ای را حوزه مناسبی برای همکاری با آمریکا می‌دانند (سجادپور و پهلوانی، ۱۳۹۱، ص ۷۷). افزون بر موضوع هسته‌ای در آسیای جنوبی، عامل دیگر در روابط هند و آمریکا نگرانی امنیتی از جانب چین است. این نگرانی شامل حوزه وسیعی است؛ از تهدیدات امنیت ذهنی و مادی، نظامی، ایدئولوژیک، استراتژیک، ژئواستراتژیک و اقتصادی گرفته تا ایجاد بلوک یا توازنی علیه آمریکا در همکاری با قدرت‌های منطقه‌ای. هند و آمریکا هر دو از جانب این تهدید چندبعدی احساس خطر کرده و درصدد ایجاد توازن در برابر این قدرت در حال ظهور هستند. تروریسم عامل دیگر نزدیک‌تر شدن آمریکا و هند است. به بیان دیگر می‌توان حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در واشنگتن و حمله تروریستی ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱ بمبئی را سومین عامل سرعت‌دهنده به همگرایی در روابط هند و آمریکا دانست. از جمله دلایل حمله تروریستی به هند، همسایگی آن با افغانستان و پاکستان است. در واقع هرگاه گروه‌های تروریستی در افغانستان و پاکستان قدرت بیشتری یافته‌اند، پشتیبانان این گروه‌ها آن‌ها را به سمت هند کشانده‌اند؛ چون در جنوب آسیا کشورهای هند و پاکستان سلاح هسته‌ای دارند، خطر دستیابی تروریست‌ها به این سلاح‌ها دامنه تهدیدات را گسترده‌تر و مخرب‌تر می‌سازد (سجادپور و پهلوانی، ۱۳۹۱، ص ۸۰).

پاکستان چهارمین عاملی است که سبب همگرایی هند و آمریکا شده است. تروریسم و تولید تروریست، مسائل هسته‌ای و کشمیر در کنار رابطه پاکستان و چین ذیل موضوع پاکستان قابل بررسی است. پاکستان مأمنی برای تروریست‌های فعال در افغانستان و کانون گروه‌های افراط‌گرایی است که از جنوب آسیا به سمت هند سرریز می‌شوند. منازعات پاکستان و هند بر سر کشمیر و منازعات داخلی در پاکستان باهم مرتبط‌اند و هر یک دیگری را تغذیه می‌نماید. پاکستان هسته‌ای یک تهدید در دسترس برای هند و یک تهدید بالقوه برای آمریکا محسوب می‌شود.

چین به دنبال نفوذ در افغانستان است تا از این طریق محور افغانستان-پاکستان-چین را تقویت کند. شایان ذکر است که مردم پاکستان به آمریکا و هند به‌عنوان دو دشمن نگاه می‌کنند و این نگاه بر تصمیمات و نگرش سیاست‌گذاران پاکستان مؤثر خواهد بود. از طرفی چین در افکار پاکستانی‌ها به‌عنوان کشوری مطلوب و مثبت شناخته شده است. از دیگر سو علاوه بر موضوعات فوق، موضع حمایتی ایران از پاکستان در مورد کشمیر به کشمکش بین هند و ایران نیز افزوده است (سجادپور و پهلوانی، ۱۳۹۱، ص ۸۱).

علی‌رغم انعقاد معاهده همکاری استراتژیک بین هند و آمریکا، همچنان بعضی عوامل تنش‌زا مانند ایران، معاهده منع آزمایش هسته‌ای موسوم به «سی.تی.بی.تی»، مسائل زیست‌محیطی، سازمان تجارت جهانی و میانمار در روابط هند و آمریکا وجود دارد، که از آن‌ها با عنوان عوامل واگرایی یاد می‌شود. ایران گره اصلی و منبع بالقوه ایجاد تنش در روابط دوجانبه آمریکا و هند است. همان‌طور که ذکر شد منافع مشترک ایران و هند در حوزه‌های انرژی (نفت و گاز)، استراتژیک (موضوع افغانستان و دستیابی به آسیای مرکزی) و امنیتی، لایه‌های اصلی این گره را تشکیل می‌دهند. با این حال فشارهای سیاسی آمریکا بر هند و ارائه مشوق‌های سیاسی، اقتصادی به این کشور طی سال‌های اخیر موجبات فاصله‌گیری دهلی‌نو از تهران را فراهم کرده است. همچنین نوع روابط هند با آمریکا در بحث انرژی هسته‌ای ایران بی‌اثر نبود و هند سه رأی مخالف علیه ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران داد. نخستین مورد رأی هند به قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۵ آژانس در مورد عدم انجام تعهدات از سوی ایران بود و رأی دوم در مورد ارجاع پرونده در فوریه ۲۰۰۶ به شورای امنیت سازمان ملل (Katzenstein, 2005, p 15) و رأی سوم در سال ۲۰۰۹ اعلام شد. گفتنی است یکی از اهداف آمریکا در رویکرد خود نسبت به هندوستان به مسئله روابط این کشور با ایران و اعمال فشار بر ایران تلقی می‌شود (Nina Koshy, 2008, p1).

نتیجه‌گیری

هند از قدرت‌های نوظهور جهانی است که ایران در حال افزایش ارتباط با آن

است. تلاش برای برقراری ارتباط با هند و ایجاد همکاری راهبردی متأثر از انگیزه‌های سیاسی ایران است تا از طریق آن بتواند سیاست‌های ایالات متحده برای منزوی کردن ایران را بی‌اثر کند. کشور هند در سال‌های اخیر بر آن است تا نقش مهمی برای تأمین منافع و حفظ امنیت ملی خویش در دو عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا نماید. در این میان، جنوب غرب آسیا و کشور ایران از مهم‌ترین مناطق در بحث امنیت منطقه‌ای هند است. هند با دارا بودن رشد اقتصادی ۱/۷ درصدی در ۲۰۱۷ و این مسئله که حدود ۷۰ درصد نفت مصرفی خود را از طریق واردات تأمین می‌کند، به منطقه خلیج فارس که حائز اهمیت و منزلت ژئواکونومیکی بی‌نظیری است، توجه ویژه‌ای دارد. هندی‌ها با بهره‌گیری از ظرفیت‌های این منطقه به‌ویژه در سال‌های اخیر، تلاش می‌کنند تا بخشی از توسعه تقریباً پرشتاب خود را در این حوزه رقم زنند.

بر اساس نتایج تحقیق حاضر، مهم‌ترین زمینه همکاری هند در برابر ایران بندر چابهار و وجود منافع انرژی این کشور در خلیج فارس است. یکی از اشکال رقابت در عرصه ژئوپلیتیک، کشمکش کشورها برای استفاده حداکثری از ظرفیت‌های جغرافیایی خود است. بندر چابهار، یکی از ظرفیت‌های جغرافیایی ویژه ایران، نمونه بارز این ظرفیت است که باید از آن در راستای افزایش وزن ژئوپلیتیک و بهبود تعادل ژئوپلیتیک با استفاده از افزایش سرمایه‌گذاری و بهبود شاخص‌های توسعه استفاده شود. منطقه خلیج فارس دارای یک سیستم ناهماهنگ در ساختار ژئوپلیتیک (عوامل، محیط جغرافیایی و روابطی که میان عوامل یک کل وجود دارد و جوهره آن قدرت) و به تبع آن کارکرد ناهماهنگی است که با وجود سازمان‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از حیث اقتصادی، امنیتی و سیاسی به وحدت نظر نرسیده و باعث شده است، این منطقه در طول تاریخ بستر بی‌نظمی‌ها و جولان قدرت‌های برتر باشد. طبق نظریه ساختار ژئوپلیتیک «کوهن»، منطقه ژئوپلیتیک مستقل (هند)، از دیرباز منافع و تهدیدات درگیر به هم از دید ژئوپلیتیک منطقه‌ای داشته‌اند و در این بین قدرت‌های نوظهوری چون هند در حال حاضر منافع اقتصادی-امنیتی خود را در منطقه خلیج فارس دنبال می‌کنند.

چشم انداز استراتژیک جاه طلبانه نخبگان سیاسی هند، به دنبال تأثیرگذاری بیشتر در سطح جهان و مستحکم‌تر کردن جایگاه برتر منطقه‌ای این کشور است. یکی از اقداماتی که در سال‌های اخیر هندی‌ها در روابط دیپلماتیک خود با کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس انجام داده‌اند، ارتقای روابط شخصی دولتمردان هندی با سران کشورهای حوزه خلیج فارس در جهت افزایش روابط امنیتی میان آن‌ها بوده است. به همین دلیل در سال‌های اخیر، دیدار مقامات سطح بالای هندی از کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه امارات متحده عربی، بحرین و قطر به شدت افزایش یافته است. این خود باعث شده رابطه دو کشور هند و ایران به دلیل چالش‌های منطقه‌ای که ایران در این حوزه درگیر است، به خوبی پیش نرود و دو کشور با وجود فرصت‌های ژئوپلیتیکی عظیم، هنوز سیاست‌های خود را به هم نزدیک نساخته‌اند. با وجود این، پیش‌بینی می‌شود که طی سال‌های آینده رقابت‌های دو کشور کمرنگ‌تر و همکاری‌ها پررنگ‌تر جلوه کند؛ اما با موج جدید تحریم‌های آمریکا در سال ۲۰۱۹ و همراه شدن هند با آمریکا روابط دو کشور را پیچیده کرده است؛ زیرا با وجود اینکه هند برای ارتقای جایگاه منطقه‌ای و جهانی خود اولویت سیاست خارجی‌اش را بر مبنای تنظیم روابط با بازیگران مهم جهانی قرار داده است، به دلایل متعددی، از جمله انرژی، حاضر به چشم‌پوشی از روابط خود با ایران نیست و افزایش قدرت منطقه‌ای آن در جهت منافع ملی ایران است. در مقابل ایران نیز برای پیشبرد منافع ملی خود از حیث اقتصادی و خروج از تهدیدات بین‌المللی و تبدیل به قطب اول منطقه‌ای، ناگزیر از برقراری ارتباط با کشور هند است. ایران می‌تواند از روابط خود با هند برای از بین بردن برخی فشارهای غربی استفاده کند و در واقع با بهره‌مندی از روابط گسترش یافته خود با هند، با وجود فشارهای ایالات متحده، برنامه هسته‌ای‌اش را به پیش ببرد.

منابع

- احمدی، سید عباس (۱۳۸۶). بررسی نقش و موقعیت ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک. مجلس و پژوهش. ۱۴ (۵۷)، صص ۲۶-۹.
- احمدی پور، زهرا. ولی قلی زاده، علی (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل نقش خزر در معادلات ژئوپلیتیک منطقه‌ای. فصلنامه جغرافیا. ۸ (۱۷)، ۷-۱۷.
- احمدیان، محمدعلی (۱۳۸۸). ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای اسلامی، چ چهارم. مشهد: انتشارات سخن گستر.
- افشردی، محمدحسین (۱۳۸۱). ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دوره عالی جنگ سپاه.
- ایوانز، گراهام. جفری نونام (۱۹۸۱)، فرهنگ روابط بین الملل. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: نشر میزان.
- برزگرزاده زرنودی، معین (۱۳۹۴). کشمکش‌های سرزمینی در منطقه جنوب آسیا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- بهروزی فر، مرتضی. همایون نسیمی (۱۳۸۳). ایران، خلیج فارس و بازارهای جهانی انرژی. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. (۲۱۰ و ۲۰۹)، صص ۴۳-۳۰.
- توحیدی، ام‌البنین (۱۳۸۶)، موانع همگرایی در جنوب غرب آسیا (مطالعه موردی، خط لوله صلح). مجموعه مقالات.
- سجادپور، سید محمدکاظم. پهلوانی، مهرداد (۱۳۹۱)، جایگاه ایران در روابط بین هند و ایالات متحده آمریکا، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین الملل، ۱ (۱)، صص ۹۳-۶۸.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۲)، جغرافیای سیاسی ایران تهران: انتشارات سمت.
- حسین پور پویان، حسین (۱۳۹۲). تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی روابط در مناطق ژئوپلیتیکی. فصلنامه ژئوپلیتیک. ۹ (۲)، صص ۲۰۳-۱۶۱.
- خرم، علی (۱۳۸۶). چین و خلیج فارس. مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس. تهران: معاونت پژوهشی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی.
- رحیم‌پور، علی (۱۳۸۹). امنیت خلیج فارس و جایگاه استراتژیک ایران. فصلنامه جغرافیای انسانی. ۳ (۱)، صص ۳۰-۱۱.

- رسولی، محمد (۱۳۹۳) **ایران و روابط بین‌الملل** تهران: انتشارات سمرقند.
- زارعی، بهادر. (۱۳۹۳) (الف). **فرصت‌ها و چالش‌های سیاست خارجی ایران در منطقه خزر**. تهران: انتشارات دانش‌پژوه.
- زارعی، بهادر. (۱۳۹۳) (ب). **مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زرقانی، سید هادی. احمدی، ابراهیم (۱۳۹۵). **تحلیل ژئوپلیتیک روابط ایران و هند در چارچوب وابستگی‌های متقابل**. پژوهش‌های ایرانی سیاست بین‌الملل، ۴ (۲)، صص ۸۵-۵۵.
- زین‌العابدین، یوسف (۱۳۸۶). **درآمدی بر جغرافیای سیاسی پیشرفته**. رشت: کتیبه گیل.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۹). **سیاست‌های پیشنهادی برای حصول امنیت در منطقه، مطالعه موردی: خاورمیانه**. فصلنامه ژئوپلیتیک. ۶ (۲).
- کوهن، برنارد (۱۳۸۷). **ژئوپلیتیک نظام جهانی**. ترجمه عباس کاردان. چاپ اول. تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- لیتل، ریچارد (۱۳۸۹). **تحول در نظریه‌های موازنه قوا**. ترجمه غلامعلی چگینی زاده. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- محمدی، حمیدرضا. احمدی، ابراهیم (۱۳۹۷). **موازنه‌گرایی در سیاست‌های ژئوپلیتیکی هند (با تأکید بر نقش و جایگاه بندر چابهار)**. پژوهش‌های دانش زمین. ۹ (۳۳).
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۵). **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**. تهران: انتشارات سمت.
- مختاری‌هشی، حسین (۱۳۹۷). **تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه‌هایی برای ایران**. فصلنامه ژئوپلیتیک. ۱۴ (۲)، صص ۸۲-۵۶.
- ولی قلی زاده، علی (۱۳۹۴). **الگوی شناخت بحران‌های ژئوپلیتیکی (با تأکید بر بحران قره‌باغ)**. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Agnew, J. (1998). **The impossible capital: monumental rome under liberal and fascist regimes, 1870-1943**. Geografiska Annaler: Series B, Human Geography, 80(4), 229-240.
- Ahmadi, Syrus, Mohammad Reza Hafeznia, Bernard Hourcad, (2013); **GEOPOLITICS OF BUFFER SPACES: CHARACTERISTICS OF IRAN'S BUFFER SITUATION BETWEEN GREAT POWERS IN THE INETEENTH AND TWENTIETH CENTURY (AD)**. Sciences. International. 25(4), 1019-1030.
- Bahgat, G. (2010). **Russia's oil and gas policy**. OPEC Energy Review, 34(3-4), 162-183.
- Blackwill, Robert D and Harris, Jennifer M (2016), **War by Other Means**. Harvard University Press.
- chen, Wen- Sheng (2010), **China's oil strategy: "coing out to Iran"**, Asian

- Politics & Policy, vol 2.
- Cowen, Deborah and Smith, Neil (2009), “**After Geopolitics?** From the Geopolitical Social to Geoeconomics,” Antipode 1, 22–48. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8330.2008.00654.x>.
- Dodds, Klaus. (2000). “**Geopolitical in a Changing World,**” England: Pearson Education Limited.
- Dwivedi, R. L. (1990). **Fundamentals of political geography.** AllahabaD: Chaitanya Publishing House...
- Ehteshami, A. (2006). **The Middle East: between ideology and geo-politics.** In The Bush doctrine and the war on terrorism(pp. 118-134). Routledge.
- Escobar, pepe. (2007); Shiitestan in Michel Korinam and John Laughland, eds. Shia power: Next Target Iran? London: Vallentin.
- Fair, C. Christiane, (2007), **Indo-Iranian ties: thicker than oil.** Middle east, vol 11, No. 1.
- Hindustan Times, jan 25, 2006.
- International lanferenceiyadh, 2005.
- Katzenstein, Peter, (2005), **A world of Regions: Asia & Europe in the American imperium,** Ithacany & London: Cornell university press.
- Koshy, N. (2008), UN and the Gulf Crisis. Economic and Political Economy, 32(47), 22-28.
- Pant, Harsh. (2004). **India and Iran: An ‘axis’ in the making?** Asian Survey, 44(3), 369–383.
- Pant, Harsh. (2011). **India’s relations with Iran: Much ado about nothing.** The Washington Quarterly, 34(1), 61–74.
- Soltaninejad.Mohammad (2017), **Iran–India Relations: The Unfulfilled Strategic Partnershi,** India Quarterly 73(1) 21–35, DOI: 10.1177/0974928416683054.
- Taylor, Peter (1994). **Political Geography.** England: Longman Scientific & Technical.

سایت‌ها

- [www. financialtribune.com](http://www.financialtribune.com), 2019.
- [www. Moj news.com](http://www.Mojnews.com), 2013.
- www.Mehrnews.com, 2016.
- www.reuters.com, 2019.